

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

آیه 39 سوره مبارکه انفال

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين من الآن إلى قيام يوم الدين.

مقدمه

(وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ)^[1]

یکی از آیاتی که در قرآن کریم به خوبی می‌توان از آن، قضیه مهدویت در آخر الزمان را به نحو کلی استفاده کرد، حتی اگر روایتی به آن ضمیمه نشود، و خود آیه دلالت بر اصل این مدعا دارد، آیه شریفه 39 از سوره مبارکه انفال است.

این آیه شبیه آیات سوره مبارکه بقره 190 - 195 است. خدای تبارک و تعالی در سوره مبارکه بقره آیه 190 می‌فرماید:

(وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (190) وَ اقْتُلُوهُمْ حَتَّى تَقْفُوهُمْ وَ أَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ...)

و در همین سوره مبارکه، آیه 193 می‌فرماید:

(وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ)؛ یعنی با کفار جهاد کنید و مقاتله کنید حتی لا تكون فتنة. غایت قتال این است که فتنه برداشته شود. و يكون الدين لله. غایت دوم آن است که دین برای خدا بشود.

جهاد ابتدائی

جهاد ابتدائی که از این آیات سوره بقره به خوبی استفاده می‌شود، به تعبیر برخی از فقها، یکی از ضروریات و ارکان اسلام است، نه اینکه واجب معمولی باشد. آیه 193 سوره مبارکه بقره: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ...»، یکی از ادله مهم جهاد ابتدائی است.

آیه می‌فرماید: با کفار جهاد کنید؛ تا چه زمانی؟ دو غایت دارد. یکی آن که فتنه نباشد. دوم آنکه دین خدا حاکم باشد.

در سوره مبارکه انفال، آیه 39 هم، نظیر همین تعبیر هست. (وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ...).

در این آیه شریفه کلمه "كُلُّهُ" اضافه شده است. در ادامه آیه هم می‌فرماید: (...فَإِنْ أَنْتَهُوَ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ).

پس در دو جای قرآن کریم این مضمون آمده است «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» یا «وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ».

و اجمال هر دو مضمون همین است که خدا می‌فرماید: جهاد کنید تا این دو غایت محقق بشود. یک غایت اینکه فتنه نباشد و غایت دوم اینکه تمام دین، قانونی که برای بشر بر روی زمین وجود دارد، از آن خدا باشد. غیر از دین توحیدی، چیز دیگری نباشد. همانطور که خدا در آیه 55 سوره مبارکه نور فرموده است: (...يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُ بِي شَيْئًا...); فقط مرا عبادت می‌کنند و به من شرک نمی‌ورزند.

یعنی غایت خلقت همین است. بعثت تمام انبیاء و ارسال رسل و انزال کتب و همه فروعاً خصوصاً فرع جهاد، برای آن است که زمانی فرا رسد که روی زمین فتنه‌ای نباشد و دین، فقط برای خدا باشد و دین دیگری بر روی زمین نباشد. این همان چیزی است که ما از آن به عنوان ظهور منجی یاد می‌کنیم. ظهور منجی فقط برای این نیست که عدالت را روی زمین بگستراند. برپایی عدالت فراگیر، تنها یک مرتبه ضعیف از تجلیات ظهور حضرت و مهدویت است. آنهایی که مهدویت را مساوق با ظهور عدالت در کل عالم می‌داند تلقی ضعیفی از مهدویت دارند و این تلقی ضعیفی است. تلقی سطحی‌ای است. تلقی دقیق آن است که ما دنبال منجی‌ای هستیم که دین را با همه ابعادش در روی زمین پیاده کند؛ که یک بعدش عدالت است. زیرا عدالت گوشه‌ای از دین است. دین خدا یک بخشش عدالت است و نه همه آن. آن منجی، تمام دین را روی زمین پیاده می‌کند.

معنای کلمه فتنه

در اینجا بحث مهم آن است که کلمه فتنه به چه معناست؟

خداوند متعال در آیه 191 سوره مبارکه بقره می‌فرماید: «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ». در آیات بعدی می‌گوید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ».

سوال:

فتنه در این آیات به چه معناست؟

جواب:

برخی از آنها که می‌خواسته‌اند جهاد ابتدایی را در اسلام منکر شوند، این کلمه را به معنای دیگری گرفته‌اند.

دو بحث در مورد جهاد ابتدایی هست. یکی اینکه آیا اصلاً چیزی به نام جهاد ابتدایی در اسلام داریم یا نه؟ برخی شاذ منکر آن هستند. ولی فقهای اصیل و اسطوانه‌های فقه از زمان شیخ مفید(ره) و شیخ طوسی(ره) می‌گویند: این از واجبات دین است و تعبیر به ضروریات و ارکان دارند. فقط یکی دو نفر اخیراً کتاب‌هایی نوشته‌اند و گفته‌اند که اسلام چیزی به نام جهاد ابتدایی ندارد و فقط جهاد دفاعی دارد.

متأسفانه، امروزه یکی از حملاتی که از طرف غربی‌ها و حقوق بشری‌ها به اسلام می‌شود، در زمینه جهاد ابتدایی است. برخی به جای اینکه بیایند تحقیق و بحث کنند، ریشه را می‌زنند و می‌گویند جهاد ابتدایی نداریم. ولی حق آن است که ما در اسلام جهاد

ابتدایی داریم و ریشه آن هم کاملاً دقیق، منطقی و عقلی است. ولی آنها از جهاد ابتدایی تعبیر وحشتناکی می‌کنند می‌گوید: «اسلام می‌گوید: یا مسلمان شو یا باید کشته شوی». این حرف، مقدماتی دارد که باید بیان شوند و جزئیاتی دارد که باید ذکر شوند. اکنون این مقدمات و جزئیات را بیان می‌کنیم تا معلوم شود که نظر اسلام در مورد جهاد ابتدایی چقدر منطقی است.

اسلام در سیزده ساله اول خود در مکه چیزی به نام جهاد نداشته. این خود نکته‌ای بسیار مهم است. در سیزده ساله اول اسلام کفار مسلمان‌ها را بسیار شکنجه می‌کردند، به آنها اذیت و آزار می‌رساندند، و حتی آنها را به قتل می‌رساندند؛ مسلمانهایی که بعد از کفر مسلمان شده بودند، به رسول خدا(ص) عرض می‌کردند اینها دارند ما را می‌کشند و شکنجه می‌کنند. پیامبر(ص) می‌فرمود: شما حق برخورد ندارید. و در این زمینه آیه‌ای هم نازل شده است: **(وَدَعُ أَذَاهُمْ)**^[12]؛ و آزار اینها را رها کن. یعنی با اینها مقابله نکنی.

بعضی می‌گویند در سه ماهه آخر حضور پیامبر در مکه، از فرط اصرار مسلمانان برای برخورد، آیه نازل شد **(إِنَّ لِلَّذِينَ يُفَاتِلُونَ بَيْنَهُمْ ظُلُمًا)**^[13]، کسانی که ظلم دیده‌اند، اجازه برخورد دارند و باز برخورد واجب نشد.

بعد که پیامبر(ص) به مدینه هجرت کردند، سال دوم به عنوان سنة القتال معروف است. ابوریحان بیرونی سال‌های زمان بعثت پیامبر را نامگذاری کرده است، و سال دوم هجرت را سنة القتال نامیده است. آیات وجوب قتال در همین سال نازل شد از جمله:

1. آنها که با شما جنگ می‌کنند با آنها بجنگید.

2. آنها که دور و بر شما هستند با آنها قتال کنید.

3. بعد آیه آمد **«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً»** و **«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ»**^[14].

نکته‌ای دقیق در آیات مربوط به قتال هست، که مرحوم علامه(ره) به آن اشاره کرده‌اند و آن اینکه: آیات جهاد به نحو تدریج نازل شده است.

این مطلب از خود آیات جهاد استفاده می‌شود که کفار، کسی را که مسلمان می‌شد، می‌گرفتند و شکنجه می‌کردند و به او می‌گفتند یا به کفر برگرد یا تو را به قتل می‌رسانیم. این سیاست کفار در مقابل مسلمانان بود. این سیاست، مقطعی نبود. **(وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ)**^[15]. سیاست کفر از ابتدای اسلام همین بوده و تا زمان ما نیز همینطور است. الان خیلی هم شدید تر از زمان رسول الله است؛ ولی با وسیله و شکل دیگر.

این مخالفت‌هایی که امروز با انقلاب ما و با کشور ما می‌شود، سر دین است. مسائل هسته‌ای و امثال آن بهانه است. آنها دین جهانی درست کرده‌اند و جهان را به عنوان دهکده واحد تصویر کرده‌اند. خودشان قانونی مجموعه جهان نوشته‌اند و می‌گویند کتب آسمانی کنار بروند نه قرآن باشد نه تورات و نه انجیل و نه هیچ کتاب آسمانی دیگری و همین قانون ما بر جهان حاکم باشد. این عرفان‌های کاذبی که درست کرده‌اند و این شیطان پرستی‌ای که درست کرده‌اند و... نمودی از این حرکت است. این همه مخالفت‌هایی که اینها با دین ما می‌کنند و می‌گویند: چرا مسلمانان حدود دارند، چرا حجاب دارند، چرا قصاص دارند، چرا در ازدواجشان مرد و زن حقوق غیر مساوی دارند و...، و اینکه همه احکام دین را می‌خواهند از بین ببرند، از سر دشمنی با دین ماست.

اگر ما فکر کنیم اینها فقط با چند مسئله از مسائل فقه ما مشکل دارند، ساده اندیشی است. اینها از اول اعتقادات گرفته تا آخر اخلاقیات با همه دین مشکل دارند. خانواده‌های غربی را ببینید که از هم پاشیده‌اند و نه اصول اخلاقی بینشان حاکم است و نه

اصول فرهنگی و نه اصول دینی و مذهبی؛ در ایران هم می‌خواهند همین وضعیت را ایجاد کنند و همه اصولی را که انسان‌ها به آن پایبند هستند، از بین ببرند. (وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ) معنایش همین است.

اسلام به کفر می‌گوید: حالا که تو این سیاست را در مقابل ما داری، به مسلمانان فرمود: شما هم همین سیاست را در مقابل کفر داشته باشید. منطق اسلام را به کفار ارائه دهید، سؤالاتشان را جواب دهید. حُجَجِ خدا در میان شما هستند. معصومین برای ارائه دین و دفاع از دین هستند. نایبان آنها هستند (فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ)^[6]؛ ای کفار، هر چه می‌خواهید بپرسید و آنگاه که برهان قطعی کاملاً ارائه و تبیین شد، اگر بخواهند از روی عناد و لجاجت نپذیرند، باید کشته شوند. زیرا این همه انبیا و رسل و کتب در طول تاریخ آمده‌اند تا ما هدایت شویم. اگر بگوییم ما هیچ حرف حقی را نمی‌خواهیم قبول کنیم، این شدنی نیست.

مثل آن می‌ماند که به مریضی بگوییم فلان دارو را باید بخوری و او نخورد به هزار دلیل توجیهش کنیم، باز قبول نکند. آخرش انسان باید بگوید پس بمیر. در اسلام نیز در آخرین مرحله می‌گوید باید بمیری. قبلش می‌گوید:

ای انسان تو خلق شده‌ای برای اینکه رشد پیدا کنی. در مرحله حیوانیت نمایی و أضَلَّ از حیوان نباشی. حق نداری بگویی: در این دنیا می‌خورم و مانند حیوان می‌چرم. باید سراغ دین بروی. این هم برهان و ادله و بینات و معجزه و... پس از اینها نوبت به آن سخن و جهاد ابتدائی می‌رسد.

لذا جهاد ابتدایی شرایطی دارد که یکی از آنها که فقهاء آن را برشمرده‌اند، حضور معصوم است. حتی بعضی از فقهای بزرگ بحث ولایت فقیه را از نظر فقهی مانند امام(ره) قبول ندارند؛ ولی با این حال به بحث جهاد ابتدایی که می‌رسند می‌گویند: از قرآن استفاده می‌شود جهاد ابتدایی مطلقاً فی کل زمان جایز است و حتی نیاز به إذن معصوم هم ندارد؛ و یک فقیه جامع الشرایط هم می‌تواند إذن به جهاد بدهد و حتی بالاتر هم می‌روند و می‌گویند: جهاد ابتدایی نیاز به إذن فقیه ندارد و عدول مؤمنین می‌توانند این کار را انجام دهند. البته اینها بحث‌های فرعی است. اما اصل جهاد ابتدایی این چنین ریشه قوی‌ای دارد. جهاد برای «ویکون الدین لله» است و برای «حتی لا تَکون فتنه» است. اسلام می‌گوید جهاد بکن نه برای خونریزی؛ بیان خواهد شد که معنای فتنه در این آیه شرک است. اسلام می‌گوید جهاد کنید تا شرک نباشد.

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...)^[7]

«لا بشرکون بی شیئا» همان «لا تَکون فتنه» است و «یعبدوننی» هم «الدین کله لله» است. غایت جهاد ابتدایی در اسلام آن است که شرک نباید در زمین باشد.

نکته

خداوند انسان را خلق کرد. پس از خلقت انسان به حسب مقام چند احتمال قابل تصویر است.

یکی اینکه انبیا را نمی‌فرستاد و بشر را به حال خود رها می‌کرد. در این صورت انسان با وجود سایر موجودات، به مقداری می‌توانست خوب و بد را درک کند و تشخیص بدهد. ولی کی می‌توانست عبادت خدا و توحید و معاد و... را درک کند. تا انبیا نباشند ابداً و به هیچ وجه عقل بشر به اینجا نمی‌رسد. فوقش این بود که عقل بشر بالاتراز موجودات دیگر خوبی و بدی را در مسائل ظاهری درک نماید.

احتمال و راه دوم آن است که خدا کسانی را بفرستد تا مردم را هدایت و راهنمایی کنند که این افراد را فرستاده و همان انبیا

هستند. و خداوند در نهایت باید کسی را بفرستد که دینی که جامع همهٔ ادیان گذشته و کامل ترین ادیان است، بیاورد. که خداوند متعال این کار را نیز انجام داده و دین خاتم را که اسلام است، فرستاده است. حالا اگر بگوییم این دین را به مقدار مثلاً ده در صد از بشر، آن هم نه همه دین را، بلکه به مقداری از آن عمل کنند، آیا این گونه تجلی دین هدف خلقت را محقق می‌کند؟

آیا جای این سوال نیست که چرا خدا زمانی دینش را متجلی به تمام ابعادش نکرد؟ عقل می‌گوید خدایی که قوانینی برای سعادت بشر فرستاده باید در همین دنیا همه ابعاد دین را محقق نماید تا بشر در سایه آن دین کامل ببیند به کجاها می‌تواند برسد و خواهد رسید. این دین، در زمان ظهور حضرت محقق می‌شود و اگر غیر از این باشد، خلقت جهان لغو است و مانند آن است که کسی ساختمانی عظیم، با ظرفیت ده هزار نفر بسازد و بگوید اگر دو نفر هم آمدند از ساختمان استفاده کردند، بس است. به این چنین شخصی می‌خندند. دین هم همینطور است. باید قریب به اتفاق یا همه بشر دین را در تمام ابعادش بپذیرند و محقق کنند و ببینند دینی که خدا واقعا برای بشر خواسته چیست؟

اینکه در روایات می‌گویند در زمان ظهور حضرت «یَأْتِي بَدِينٍ جَدِيدٍ»، خیر، دین حضرت، همان دین رسول خدا(ص) است. ولی در طول تاریخ تا حالا درصدی از آن عمل شده و مقدار زیادی از آن یا عمل نشده و یا اطلاعی از آن نبوده است که در زمان حضرت عمل خواهد شد. و این دین همان دین اسلام است نه دین جدید.

یکی دیگر از مطالب که باید هنگام بررسی ادلهٔ جهاد ابتدایی به آن توجه کرد این است که اگر مسلمین می‌خواستند از اول جنگ کنند همان نفرات کمی هم که اسلام آورده بودند، از دست می‌رفتند. از طرف دیگر اگر خدا از همان ابتدا می‌گفت یا "قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلَحُوا" یا "تَقْتُلُوا"؛ و اگر سیزده سال آیات و ادله و معجزات را ارائه نمی‌کرد، و بعد در مدینه این مدارا را برای جذب مردم به دین حق انجام نمی‌داد، اگر اینها نبود دین اسلام منطقی جلوه نمی‌کرد و از اول منفور می‌گشت و دین خونریزی معرفی می‌شد. بله، پس از هجرت پیامبر(ص)، فتنه کفار خیلی شدید شد، و لذا در سال دوم هجرت آیات قتال نازل شد.

لذا بحث جهاد ابتدایی بحثی منطقی و مطابق با عقل و فطرت است و اگر کسی اسلام را دین جنگ و خونریزی معرفی کند، از قرآن بی اطلاع است و از اسلام آگاهی ندارد. بلکه از منطق و استدلال آگاه نیست. و همین موجب می‌شود جهاد ابتدایی را انکار می‌کنند و بگویند چیزی به نام جهاد ابتدایی نداریم.

موانع اجرای کامل دین

سوال:

آیا اجرای تمام ابعاد دین، سخت و غیر ممکن نیست؟

جواب:

خیر. اجرای دین سخت نیست. برخی‌ها هستند که هم اکنون تمام ابعاد دین یا اکثرش را در زندگی خود پیاده می‌کنند؛ خیلی هم توفیقات و سعادت و... پیدا می‌کنند. یکی از مسائلی که مانع اجرای کامل دین می‌شود، مسئله جهل بشر است.

ما نباید بگوییم که علم در حال پیشرفت است و بشر در حال رشد علمی است و جهل دارد ریشه کن می‌شود. پس مردم خود به خود به سمت عمل به دین پیش می‌روند. خیر؛ برخی از خرافاتی که الآن در دنیا هست، قابل مقایسه با خرافات زمان جاهلیت قبل از اسلام نیست و از اعراب جاهلی هم بعید است به اینچنین خرافاتی اعتقاد داشته باشند. معنای این قضیه جهل مردم است و معنایش این است که رشد عقلی ندارند. وقتی معنویت کنار عقل قرار می‌گیرند، عقل بارور می‌شود. کسانی که معنویت ندارند

عقلشان بارور نمی‌شود. در زمان ظهور، عقل و علم و کمالات به نهایت خود می‌رسند.

مثلاً؛ در برخی روایات هست تا قبل از زمان ظهور، دو حرف از علم در اختیار بشر است و بیست و پنج حرف دیگرش در زمان ظهور معلوم می‌شود.^[8] وقتی علم و عقل کامل شد زمینه برای پذیرش دین فراهم می‌شود و مردم دین را می‌پذیرند. ما شیعیان و با وجود اهل بیت و این همه برکات علمی بر آمده از این مکتب، الآن هم نمی‌توانیم بگوییم چهل ما کم است و علم ما زیاد شده است.

چقدر از ابعاد قرآن برای خود ماها که مدعی ارتباط با قران هستیم روشن است؟ خیلی اش هنوز ناشناخته مانده. با همه این تفاسیر و زحمات بزرگان ما از فقها و مفسرین، ولی خیلی از ابعادش هنوز روشن نشده است. حتی فقه ما نیز اینچنین است؛ شاید فقهاء هنوز بیشتر از یک دهم فقه را نتوانسته‌اند برای ما روشن کنند. نه دهم آن مجهول است. اینطور نیست بگوییم تمام احکام همین است و السلام.

شاید اگر فقه بخواند کامل شود ده رساله عملیه باید ضمیمه این رساله‌ها بشود. خیلی از احکام هنوز استنباط نشده و بیان نشده و اجتهاد نشده باشد. با اینکه اجتهاد ودیعه‌ای است که خدا به انسان داده و علما بالفعل برای در آوردن احکام از آن استفاده می‌کنند. ولی این مقدار از قوه اجتهاد هنوز نمی‌تواند تمام چهل ما را برطرف نماید.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

-
- [1] □ سورة انفال (8)، آیه 39 .
- [2] □ سورة احزاب (33)، آیه 48.
- [3] □ سورة حج (22)، آیه 39.
- [4] □ سورة توبه (9)، آیه 73.
- [5] □ سورة بقره (2)، آیه 217.
- [6] □ سورة نحل (16)، آیه 43.
- [7] □ سورة نور (24)، آیه 55.
- [8] □ عن الصادق(ع): الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَ أَخْرَجَ الْخُمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ، وَ ضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبْثُهَا سَبْعَةٌ وَ عِشْرِينَ حَرْفًا. (مختصر البصائر، ص 320)